

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۳ دسمبر ۲۰۱۹

سخنی در مورد «خشونت»، قهر انقلابی و قهر ضدانقلابی

طنز تاریخ این است که امروز بسیاری، حتا رژیم سرکوبگر و وحشی جمهوری اسلامی و برخی از «چپ‌های» سابق نیز از «عدم خشونت» سخن می‌گویند و «خشونت» تظاهرکنندگان را مورد پرسش قرار می‌دهند! گرازهای جمهوری اسلامی نیز با «لقب اشرار» سرکوب تظاهرکنندگان را توجیه می‌کنند و به معترضان اندرز مبارزه مسالمت‌آمیز و اعتراض «غیر خشونت‌آمیز» می‌دهند!

نخست این که اعمال زور دولتی، همان قهر سازمان‌یافته دولتی علیه معترضان بی‌دفاع است. تبعیت از «صندوق بین‌المللی پول»، افزایش نرخ سوخت، اعمال دیکتاتوری اقتصادی بر اکثریت فرودستان جامعه است. مکمل این قهر اقتصادی، قهر ضدانقلابی نظامی است، که باید دهان معترضان را بدوزد، تا خود را فاتح این جنگ نابرابر اعلام دارد! جنگی که در یک طرف هزاران معترض غیرمسلح، ناراضی، بیکار و گرسنه و جان به لب رسیده وجود دارد و در طرف دیگر هزاران نیروی مسلح حافظ مالکان و اختلاسگران و سرمایه‌داران بزرگ از زمین و هوا مردم را به گلوله می‌بندند و به نام «اشرار» سینه آنها را می‌شکافند.

در میان تظاهرکنندگان حتماً عناصر نفوذی مزدور و مخرب یا جوانان عاصی با روحیه آناشستی و ساده‌دل، که از نیروهای ارتجاعی و منحرف خط می‌گیرند، وجود دارد و این فقط شامل حال اعتراضات مردمی ایران نمی‌شود؛ در اعتراضات سایر ممالک ضدنئولیبرالیستی و ضد دیکتاتوری نیز به خاطر فقدان رهبری سیاسی اینگونه عناصر با رفتارهای آناشستی نیز وجود دارد و طبعاً به تکامل و پیشروی جنبش آسیب می‌رساند. اما از این امر نمی‌توان به این نتیجه رسید که می‌توان رژیم جمهوری اسلامی را سرانجام با مبارزات مسالمت‌آمیز تغییر داد و حقوق ملت را از حلقوم او بیرون کشید. بی‌شک چنین تفکری از قهر سازمان‌یافته انقلابی توده‌ها به عنوان مامای انقلاب به شدت می‌هراسد و سازش‌طلبانی را در لباس‌های گوناگون تبلیغ و موعظه می‌کند.

باید روشن کرد عمده‌ترین سد تکامل پیشرفت و ترقی مردم ایران حاکمیت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است، که باید توسط مردم سرنگون گردد و این خواست سوزان، سال‌هاست در تظاهرات و تجمعات به ویژه در اعتراضات گسترده دی ۱۳۹۶ با نفی همه جناح‌های رژیم بیان شد و اکنون نیز با شعار «**گرانی بهانه است، کل نظام نشانه است!**» بازتاب داشته است و نشان می‌دهد توده مردم امیدی به بهبود اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در چارچوب نظام سرمایه‌داری اسلامی نمی‌بینند و خواهان برچیدن آن هستند. چنین تغییر بنیانی از طریق مسالمت‌آمیز غیر ممکن است. زیرا حاکمیت

سرمایه‌داری استبدادی با چنگ و دندان و با قوه قهر از منافع طبقاتی خود دفاع خواهد کرد و در مقابل مردم غیر متشکل، غیر سازمان‌یافته، بی‌سلاح و بدون رهبری خواهد ایستاد، حرف نخست را خواهد زد و در مقابل خواست بحق توده‌ها عقب‌نشینی نخواهد کرد. از این‌روی باید این آموزش را به میان توده‌ها بُرد که راه رستگاری ملت ایران، راه سازمان و تشکیلات و سرانجام برانداختن کلیت نظام با قهر انقلابی است. نیروی پیشرو همواره باید این خط انقلابی را در مقابل خطر فرمستی و رویونیستی، که سازش طبقاتی را موعظه و توده‌ها را به تمکین و سازش و صبر و انتظار دعوت می‌کند، قرار دهد، آنها را آموزش دهد و برای تسویه حساب نهائی آماده نماید. طبیعی است که جنبش نباید شتابزده عمل کند، باید با بررسی دقیق اوضاع و توازن قوای طبقاتی مطالبات مشخص سیاسی و اقتصادی را طرح و گام به گام رژیم را به عقب‌نشینی وادارد و سرانجام ضربه نهائی را که آنها بدون رهبری انقلابی ممکن نیست، بر پیکر رژیم فرود آورد.

متأسفانه جنبش در اثر فقدان رهبری سیاسی از یکسو و از سوی دیگر تناقضات در طرح مطالبات و خواست‌های تظاهرکنندگان، پخش اخبار هیجانی و جعلی از طریق رسانه‌های امپریالیستی و همچنین عدم توازن قواء، با شکست روبه رو شده و همیشه دست‌آوردهای چنین جنبش‌هایی بسیار ناچیز بوده است. باید آگاهانه و سنجیده عمل کرد و آزادی را کشان کشان به دست آورد.

تبلیغ ایده قهر انقلابی به معنای توسل به قهر جدا از توده و درگیر شدن مسلحانه با رژیم در شرایط کنونی نیست. عقل سلیم حکم می‌کند که باید از درگیری قهری زودرس پرهیز کرد؛ زیرا به نفع رژیم و به زیان مردم است. تبلیغ قهر انقلابی در مقابل قهر ضدانقلابی يك خطکشی روشن با جریاناتی است که با ماهیت فرمستی و رویونیستی خواهان تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی در چهارچوب نظام سرمایه‌داری‌اند و از این طریق با خلع سلاح روحی توده‌ها مبارزات مردم، به ویژه کارگران و زحمتکشان را به بیراهه و شکست می‌کشاند. قهر انقلابی توده‌ها دارای ماهیت تدافعی در مقابل قهر ضدانقلابی است. این به معنای تقدیس عنصر «قهر» در هر شرایط اجتماعی سیاسی نیست. قهر انقلابی و سرنگونی رژیم سرمایه‌داری در جهت استقرار سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا و جامعه کمونیستی است که در آن دولت به عنوان قوه قهریه طبقه حاکمه با زوال طبقات برای همیشه به خواب خواهد رفت. توسل به قوه قهر برای چنین هدف بزرگی است و نه شیفتگی به قوه قهر. آنان که به تعبیر «قهر انقلابی» می‌پردازند، عملاً مُبلِّغ قهر و خشونت ضدانقلاب سرمایه‌داری هستند و جز این نیز نمی‌باشد.
